

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

### خلاصه بحث گذشته

بحث به اینجا رسید که گفتیم بعد از اینکه ما از روایت استظهار کردیم که امام(ع) قیمت يوم المخالفة را ملاک قرار دادند، در ضمان عین، که اگر عین این استر تلف شد این ضامن قیمت روز غصب است. در اشکال دوم گفتیم اگر ملاک يوم الغصب است در این قسمت روایت که سائل سؤال کرد «فإن أصاب كسر أو دبر أو غمض» امام(ع) فرمودند «عليك قيمة ما بين الصحة و العيب يوم تردّه عليه» در اینجا ملاک را يوم الردّ قرار داده است. تا اینجا گفتیم ما باشیم و این قسمت روایت، ظهور در این ندارد که ارش را باید به ملاحظه‌ی يوم الرد حساب کنیم، یعنی بگوئیم در مقابل اینکه بگوئیم آن روزی که غصب کرده صحیح و معیب استر يك قيمتي داشته، این روزی که رد می‌کند صحیح و معیب استر يك قيمت دیگری دارد! روایت در مقام بیان این نیست. روایت می‌خواهد بگوید آن روزی که داری استر را به مالکش رد می‌کنی، باید ما به التفاوت بین سالم و معیب را علاوه بر اینکه خود استر را رد می‌کنی رد کنی، اما حالا این ما به التفاوت، یعنی این ارش را چطور محاسبه کنی! این را دیگر دلالت ندارد.

### بررسی احتمالات دیگر در روایت ابی ولاد

حالا به طور کلی در این يوم تردّه عليه چند احتمال وجود دارد؛ خود «يوم تردّه عليه» احتمال دارد که به این عليك برگردد، احتمال دارد که قیمت برگردد، احتمال دارد که عیب برگردد. «عليك قيمة ما بين الصحة و العيب يوم تردّه عليه» اگر ما آمدیم گفتیم «يوم تردّه عليك» ظرف برای عليك است و متعلق به عليك است یعنی عليك يوم تردّه إليه، روزی که بغل را به آن رد می‌کنی، علاوه بر رد بغل باید ارش را هم پردازی که روی این بیان آن وقت نتیجه این می‌شود که دیگر نمی‌گوید این ارش را با چه قیمتی، با چه روزی باید محاسبه کرد. اما برخی آمدند احتمال دادند که این «يوم تردّه» ظرف است و به لفظ این قیمت متعلق است. یعنی عليك قيمة يوم تردّه إليه ما بين الصحة و المعيب، که يوم تردّه متعلق به خود قیمت باشد، عليك، بر تو هست قیمت روز رد ما بين الصحة و العيب را. که اگر آمدیم متعلق به قیمت گرفتیم معنایش این است که این قسمت روایت ملاک در ارش را روز رد قرار داده، یعنی آن روزی که این بغل را به مالک رد می‌کنیم ببینیم بغل سالم چقدر است، بغل معیب چه قدر است ما به التفاوت باید به مالک برگردانده شود، به لحاظ همان روز رد.

## دیدگاه مرحوم شیخ انصاری

مرحوم شیخ (اعلی الله مقامه الشریف) می‌فرماید ما این احتمال را قبول داریم و اشکال دارد به اینکه این «یوم تردّه» قید برای قیمت باشد، چرا؟ عبارت شیخ این است که می‌فرماید «إذ لا عبرة في ارش العيب بيوم الرد إجماعاً لأنّ النقص الحادث تابع في تعيين يوم قيمته لأصل العين» مرحوم شیخ در مکاسب می‌فرماید نقص تابع اصل است از نظر تعیین قیمت، یعنی ما اگر آمدم گفتم اگر اصل عین تلف شد قیمت روز تلف را باید بپردازد، این ارش را هم باید نسبت به همان روز تلف محاسبه کرد. اگر آمدم گفتم قیمت روز مخالفت است ارش را هم باید به لحاظ روز مخالفت حساب کرد، شیخ يك ملازمه‌اي را قائم است که می‌فرماید از نظر تعیین قیمت در ارش، ارش را به لحاظ قیمت خود عین ما باید حساب کنیم، می‌گوئیم قیمت عین را چه زمانی باید حساب کرد؟ و چون در اینجا شیخ می‌خواهد بفرماید اگر ما آمدم گفتم اصل را به لحاظ يوم المخالفة حساب می‌کنیم، یا عین را به لحاظ يوم التلف حساب می‌کنیم، اجماع فقها بر این است که نمی‌شود ارش را به لحاظ يوم الردّ حساب کرد. بنابراین يك چنین اشکالی را شیخ در اینجا دارد که اگر ما «یوم تردّه» را قید برای قیمت قرار بدهیم این برخلاف اجماع می‌شود، لازمه‌اش این است که تعیین قیمت در ارش، ملازم با قیمت در اصل عین نباشد، در حالی که اجماع داریم بر اینکه نقص از نظر تعیین قیمت تابع خود اصل است، این اشکال شیخ است.

**جواب مرحوم خوئی:** اینجا يك جوابی را مرحوم آقاي خوئی دادند و دیگران هم در حواشی مکاسب این جواب را دادند و به قول ایشان این اشکال شیخ واضحه الإندفاع است و اندفاع و جوابش همین است که می‌گوئیم جناب شیخ اجماع را ما قبول داریم بر اینکه «النقص، العيب من جهة تعيين القيمة تابع للأصل» اما شما در اشکال به این احتمال چطور از این اجماع می‌توانید استفاده کنید، آن کسی که می‌گوید «یوم تردّه» را متعلق به قیمت می‌گیریم، می‌گوید اصل عین را هم در روز رد باید حساب کنیم، اگر او بگوید اصل عین اگر تلف شد ملاک قیمت يوم الدفع است، ارش را هم به لحاظ يوم الدفع و يوم الرد حساب کنیم دیگر برخلاف اجماع نخواهد شد.

آنچه که برخلاف اجماع می‌شود این است که ما بیائیم بین این دو تا تفکیک کنیم، بگوئیم اگر این استر تلف شد، قیمت روز مخالفت و روز غصب را ضامنی، اگر تلف نشد و معیوب شد، ارش، یعنی ما به التفاوت بین صحیح و عیب را به لحاظ روز رد باید بدهی، این تفکیک برخلاف اجماع است، اما آن کسی که می‌آید در اینجا این را قید برای قیمت قرار می‌دهد، او می‌گوید اگر اصل هم تلف بشود قیمت يوم الرد را باید بپردازد تا اینکه تفکیکی در اینجا لازم نیاید. پس این اشکال شیخ اینجا وارد نیست.

اشکال دومی که به این احتمال کردند؛ اینکه يوم تردّه قید برای قیمت باشد، می‌فرمایند ما قرینه بر این معنا می‌خواهیم، برای اینکه در صدر روایت يوم المخالفة آمده و آن يوم المخالفة ظهور در همین دارد که اگر يك كسري، عیبی، در این استر به وجود آمد باز همان ملاک يوم المخالفة است و باید این يوم تردّه در اینجا را هم طوری معنا کنیم که با او منافات پیدا نکند و اگر بیائیم قید برای قیمت بگیریم با او منافات پیدا می‌کند. آقاي خوئی می‌فرمایند؛ اگر ما بخواهیم قید برای قیمت بگیریم، اولاً قرینه می‌خواهد و ثانیاً آن يوم المخالفة‌ای که در صدر روایت است قرینه است بر اینکه در اینجا يوم تردّه متعلق به قیمت نیست. عبارت ایشان این است «لا ملزم للإلتزام بكون الظرف قیداً للقيمة من دون قرينة تدل عليه بل ظهور الجملة السابقة في يوم الغصب» آن جمله‌ی سابق «قيمة بغل يوم خالفته» «يردّ هذا الاحتمال» حالا ببینیم این فرمایش ایشان درست است یا نه؟

## ارزیابی

اولاً مطلب اولشان که می‌گوید من دون قرينة عليه می‌گویم اینها از این نظر هر سه مساوی‌اند، شما يوم تردّه را بخواهید قید عیب قرار بدهید، قید عليك یا قیمت قرار بدهید یا همه‌اش نیاز به قرینه دارد یا هیچ کدام نیاز به قرینه ندارد، هر سه احتمال داده می‌شود. چه وجهی دارد که ما بگوئیم اگر يوم تردّه متعلق به عليك باشد، قرینه نمی‌خواهد اما اگر قید برای قیمت باشد قرینه

می‌خواهد. مطلب دومشان این است که «بل ظهور الجملة السابقة في يوم الغصب يردّ هذا الإحتمال» جمله‌ی سابقه یعنی «قیمه بغل يوم خالفته» است.

با قطع نظر از این اشکال می‌گوئیم اگر در آنجا امام(ع) فرموده «يوم الغصب» آن در مورد تلف شدن این بغل است، چطور می‌تواند او قرینه باشد بر اینکه در اینجا هم ما باید يوم ترده را متعلق به قیمت قرار ندهیم تا آن يوم الغصب به هم نخورد، عکس این عمل کنیم، بگوئیم این يوم الردّ در اینجا قرینه است برای اینکه آن يوم المخالفة متعلق به قیمت در آنجا نیست، به ایشان عرض می‌کنیم شما می‌گوئید چون در آنجا يوم المخالفة متعلق به قیمت است پس در اینجا يوم ترده متعلق به قیمت نباشد، ما می‌گوئیم عکسش را انجام بدهیم، بگوئید چون در اینجا يوم ترده متعلق به قیمت است، آنجا يوم خالفته متعلق به قیمت نباشد، اینکه اشکال نشد که شما در اینجا مطرح می‌کنید. به نظر ما ایشان با اینکه خواستند این را در اینجا جواب بدهند، می‌فرمایند والصحيح في الجواب، این جواب درستی نیست.

يك جواب خیلی روشنی اینجا عرض کنیم و آن این است که مرحوم صاحب جواهر، البته يك احتمال دیگری هم در روایت هست که باید بگوئیم، اما جواب نهایی این است که صاحب جواهر می‌فرماید يك نسخه‌ای از تهذیب شیخ که مصحح است و در نزد من صاحب جواهر هست در آن نسخه اصلاً کلمه‌ی يوم ندارد، دارد «عليك قيمة ما بين الصحة والعيب ترده إلیه» حالا ترده علیه دارد که اگر واقعاً «يوم» نباشد باید إلیه باشد. یعنی همان حرفی که دیروز هم گفتیم که این فقره‌ی روایت اصلاً نمی‌خواهد بگوید قیمت يوم الردّ، بلکه می‌خواهد بگوید حواست باشد وقتی بغل را داری برمی‌گردانی به مالکش، این ما به التفاوت بین معیب و سالم را هم باید پردازی، این را می‌خواهد بیان کند، نمی‌خواهد بگوید این ما به التفاوت به لحاظ يوم الرد، اگر کلمه‌ی يوم نباشد این می‌شود: «عليك قيمة ما بين الصحة والعيب ترده إلیه» یعنی این قیمت را هم باید رد کنی، فقط فکر نکنی اگر خود بغل را رد کردی کافی است، اگر این را بگوئیم که کلمه‌ی يوم نباشد این مطلب هم پیش نمی‌آید و هكذا احتمال سوم؛

احتمال سوم هم این است که ما بگوئیم يوم ترده اگر يوم هم باشد متعلق به خود عیب است «عليك قيمة ما بين الصحة والعيب يوم ترده» یعنی عیبی که روز رد است، که خود مرحوم آقای خوئی می‌فرمایند ظاهر اصلاً همین است برای اینکه این يوم ترده کنار عیب آمده، اقتران لفظ، اقتران يك لفظی به لفظ دیگر قرینه است برای اینکه این لفظ قید برای آن است، همان که در ادبیات خواندید الأقرب يمنع الأبعد. آن وقت توضیح مطلب این است که امام(ع) می‌خواهند بفرمایند اگر این استر را گرفتی، معیوب شده، اگر این عیب تا روز رد باقی است تو باید ارش را بدهی، اما اگر این استر معیوب شد و تو بردی مداوایش کردی و سالم شد، این نقص برطرف شد، اینجا ارش لازم نیست بدهی، اما اگر این عیب تا روز رد باقی ماند تو باید ارش را پردازی. منتهی وقتی که آمدم يوم ترده را قید عیب گرفتیم و معنا این شد که اگر عیب استمرار پیدا کرد تا روز رد، باید ارش را بدهی، باز می‌گوئیم روایت نمی‌گوید ارش را به چه لحاظی باید محاسبه کنی، بلکه باید به لحاظ يوم المخالفة بگوئی، به لحاظ يوم الرد بگوئی، باز روایت دلالتی بر این معنا ندارد و بعد می‌فرماید «ولا شبهة في أن هذا الاستظهار موافق للقواعد العربية وكلمات اهل اللسان» اگر ما بگوئیم عليك قيمة ما بين الصحة والعيبی که يوم ترده إلیه. اینجا هم یکی از چیزهایی است که خیلی تعجب است، از مرحوم آقای خوئی، ما اگر آمدم گفتیم این يوم ترده قید عیب است، اولاً باید اضافه شود، در حالی که الف و لام دارد. بگوئیم والعيب يوم ترده، خیلی خلاف ظاهر است، این احتمالی که ایشان می‌فرمایند ظاهر است و مطابق با قواعد ادبی است به نظر ما بسیار خلاف ظاهر است، اصلاً هم مطابق با قواعد ادبی نیست، اگر امام(ع) می‌خواهد بفرماید، اگر واقعاً چنین مقصودی داشت که این عیب اگر تا روز رد استمرار پیدا کرد تو باید ارش را بدهی با این جمله باید می‌فرمود: «عليك قيمة ما بين الصحة والعيب يوم ترده إلیه» این نه مطابق با ذوق عرفی و ظاهر است، نه مطابق با قواعد ادبی است، با هیچ کدام از اینها مطابقت ندارد.

بعد ایشان می‌فرمایند شیخ انصاری يك اشکالی را به این احتمال دارند که بحث مهم و مبتلا به است، شیخ انصاری فرموده فتوای جمیع بر این است که اگر کسی مالی را گرفت، این مال در زمانی که در دست این شخص بود معیوب شد، بعد این شخص عیب را به بهترین نحو برطرف کرد، حالا آن روزی هم که می‌آید به مالکش رد کند بدون عیب رد می‌کند. شیخ نسبت می‌دهد به جمیع

فقها، فتوایشان این است که این آدم ضامن ارش هم هست و این خیلی بحث مهمی است، شما کتابی را از يك کسی امانت گرفتی، حالا يك عیبی در این کتاب به وجود آمد، بعد خودتان هم بردید این کتاب را بهتر از اولش صحافی کرد، در عرف هم می‌گویند رفتم بهتر از اولش انجام دادی، شیخ می‌فرماید این ما به التفاوت بین الصحة و لعيب، ولو عيب زائل شده، ولو دیگر اثری از عيب وجود ندارد اما این ما به التفاوت ضامن است. هم نظر شریف خود شیخ این است و هم این را نسبت به فتوای کل می‌دهد. حالا ایا این مطلب شیخ درست است یا نه، مصباح الفقاهه را ببینید، مرحوم آقای خوئی دو اشکال کرده و مطالب دیگری هم هست که ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين